

مبانی حقوق معلولین در متون اسلامی

<http://www.handicapcenter.com/۲۰۱۴/۰۵/۱۵/۵۴۷۱>

May ۱۵, ۲۰۱۴

دسته‌ها: توان نامه - شماره ۳۰۲ - آبان تا بهمن ۹۲، حقوق معلولان

مبانی حقوق معلولین در متون اسلامی

سخنرانی محمد نوری در کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران، کارگاه بررسی حقوق توان خواهان، ۳۰ بهمن ۱۳۹۲

چکیده

دکتر ضیائی‌فر رئیس محترم کمیسیون حقوق بشر اسلامی به تاریخ ۵ بهمن ماه ۱۳۹۲ از دفتر فرهنگ معلولین بازدید داشته و تفاهم همکاری و اجرای کارهای مشترک منعقد شد.

معلولین از بارزترین و مهم‌ترین اقشار مطرح در حقوق بشر هستند و چتر حقوق بشر از هر جهت شامل آنان باید بشود. کمیسیون حقوق بشر اسلامی و جناب ضیائی‌فر به همین دلیل به معلولین و حقوق آنان عنایت ویژه دارند و برای اولین بار جلسه کارگاهی برای بررسی حقوق توان‌خواهان در سیام بهمن ماه ۹۲ برگزار کردند. هدف این نشست، آشنانمودن مدعوین با ابعاد حقوق اینان بود. مدعوین دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری در رشته حقوق بودند. استادان در چند برنامه از ساعت ۸ صبح تا ۷ بعدازظهر، هر کدام جنبه‌ای از حقوق توان‌خواهان را واریسی و بررسی نمودند. مدیر دفتر فرهنگ معلولین، آقای محمد نوری از جمله استادانی بود که باید به بررسی حقوق معلولین در متون اسلامی می‌پرداخت. خلاصه متن حاضر در این جلسه مطرح شد.

وضعیت کنونی معلولین در جهان اسلام و بالخاص در ایران به گونه‌ای است که نسبت به تعداد و جمعیت آنها، کمبودها و نواقص بسیار است. بر اساس آمارهای عرضه شده بیش از ۱۲ درصد از جامعه ما را معلولین تشکیل می‌دهند یعنی بیش از هشت میلیون از جمعیت ایران، به نوعی معلولیت دارند. منظور معلولیت‌هایی است که منشأ مادرزادی یا بر اثر تصادف یا بیماری است و جانبازان جنگ از قلمرو ما فعلاً بیرون هستند. تصور بفرمایید جمعیتی بیش از هشت میلیونی داریم ولی نظام حقوقی کارآمد ندارند، اشتغال فراگیر ندارند، نظام بیمه و خدمات جامع ندارند، آینده آنان نامعلوم است و دهها نوع نواقص دیگر پیش روی جامعه معلولین است. قابل توجه اینکه دبیر کل سازمان ملل متحد آقای بانکی‌مون هفته گذشته اعلام کرد یک میلیارد معلول در جهان هست. ارتباط با این مشکلات دو فرضیه هست.

باور عده‌ای اینست که ریشه همه این نقائص عدم حمایت شریعت و دین است. اما فرضیه دومی هست که دین دفاعیات از معلولین دارد ولی مسلمانان همتی برای شناخت متون دینی در ارتباط با معلولین نداشته‌اند.

کلیات و قضایایی که در متون درج شده می‌تواند مبنا و اساس استنباط‌های فقهی و تدوین قوانین موضوعه باشد. در مسائل و موضوعات دیگر هم از چند روایت و آیه احکام بسیار استنباط شده است.

در اینجا تلاش می‌کنیم قضایای دینی، آیات و روایاتی که در دفاع از معلولین و تکریم معلولین وارد شد، معرفی و بررسی کنیم. چون احترام معلولین و تکریم آنان زیر بنایی‌ترین مسئله است. اگر حقوقدانان، فقها، و مدیران باور به محترم بودن معلولین داشته باشند قطعاً در وظایف خود کوتاهی نمی‌کنند.

نگرش جوامع و متفکران: مناسب است ابتدا نگاهی به نگرش جوامع نسبت به معلولین در عصر ظهور اسلام داشته باشیم. از گذشته‌های دور نگرش و نگاه مردم به معلولین منفی بوده است. افراد معلول را به دیده نحوست و بدبینی و شوم می‌نگریستند؛ معلول را فرزند شیطان، ثمره و فرزند گناه، دارای روح خبیثه می‌دانستند. در این‌باره اساطیر در فرهنگ باستان رواج دارد. دو راه کار همواره مطرح بوده است:

الف: نابود کردن معلول

ب: محتاج ترحم و مراقبت دائمی

در یونان باستان کودکان معلول را در رودخانه می‌افکندند. ارسطو می‌گوید معلولین حق حیات ندارند (این نکته را در کتاب معروف سیاست گفته است). افلاطون می‌گوید معلولین در جامعه آرمانی و پویا جایی ندارند. در قرون وسطی معلولین را به دلیل اینکه فکر می‌کردند دارای روح شیطانی و پلشت هستند در آتش می‌سوزاندند. حتی در دوره جدید، داروین، معلول را به دلیل بقای اصلح یا بقای اکمل، ناقص و نابود شونده می‌داند.

بالاخره همه نظام‌های اجتماعی و اخلاقی که بشر ساخته نه تنها جایگاهی برای معلول در نظر نمی‌گرفتند بلکه معلول را محکوم به نابودی و دارای سرنوشت هلاکت‌پذیر می‌دانند.

تنها انبیا و صالحان به ویژه اسلام، منادی احترام و تکریم معلولین بوده و آنها را انسان‌های باشرف و صالح می‌دانسته‌اند. درست است معلول یک حس یا یک عضو ندارد ولی انسان است و به جای آن حواس و استعدادهای دیگر او قوی‌تر است.

طبقه‌بندی متون اسلامی: اسلام تفاوتی بین انسان‌ها قائل نشده و همه را فرزندان آدم و بدون تمایز و تفاوت دانسته است. متونی که به معلولین پرداخته به سه دسته عمده قابل تقسیم‌اند:

الف: آیات قرآن

ب: روایات

ج: متون تاریخی بیانگر سنت و رویه معصومین(ع)

در وقت اندک نمی‌توان به همه اینها رسید و فقط به آیات آن هم به اجمال می‌پردازیم. اما آیات قرآنی که احترام به معلولین و کرامت آنان را مطرح کرده‌اند به چند گروه قابل دسته بندی می‌باشند. گاه این آیات را در بیست گروه دسته‌بندی و بررسی کرده‌اند. چند دسته از آیات را اجمالاً عرض می‌کنم:

۱- تعریف معلول

در مثل‌ها و ادبیات عامیانه مردم در بین ایرانیان و عرب‌ها هست که به کافر یا به انسان خطاکار یا متهم یا قاتل کور، نابینا، اعمی، معاق و معلول گفته می‌شود. با اینکه چشم و بینایی دارد و بدنش سالم است. در قرآن هم همین نکته پذیرفته شده است. یعنی کور و معلول واقعی و حقیقی را نداشتن چشم و فقدان بینایی نمی‌داند بلکه اینگونه افراد یا مردمان دیگر برابر هستند بلکه کسانی که ایمان و بصیرت ندارند کور واقعی‌اند.

افلم یسیروا فی الارض فتکون لهم قلوب یعقلون بها او اذان یسمعون بها فاینها لا تعمی الابصار و لکن تعمی القلوب التی فی الصدور (سوره حج آیه ۴۶)

چندین آیه در قرآن هست که می‌فرماید کسانی که برای حل مشکلات مردم تلاش و حرکت نمی‌کنند، در واقع مشلول و معلول حرکتی هستند ولی فردی که یک پا ندارد ولی در راه خدا و برای سعادت و بهورزی مردم دائم در تلاش و حرکت است، این فرد را نمی‌توان شل و اعرج نامید بلکه این فرد از هر نظر مساوی با دیگران است.

قرآن صراحتاً می‌فرماید عده‌ای زیادی از مردم که در جهنم هستند: لهم اعیین لا یبصرون بها و لهم اذان لا یسمعون بها اولئک کالانعام بل هم اضل اولئک هم

الْغَافِلُونَ (اعراف ۱۷۹)

کسانی چشم، گوش و بدن سالم دارند ولی از مرتبه انسانیت سقوط کرده‌اند چون غفلت دارند. یعنی واقعیت‌ها و حقایق را نمی‌فهمند و به راه اشتباه رفته‌اند. بهر حال نخستین دسته از آیات که کم هم نیست، آیاتی که مردمی که اعضاء و جوارحی مثل چشم، گوش، دست و پا ندارند، معلول نمی‌دانند یا حداقل معلول حقیقی نمی‌دانند و می‌گویند اینها مثل دیگران هستند بلکه معلول واقعی را کسانی معرفی می‌کنند که فاقد انسانیت‌اند، ظالم‌اند، غافل‌اند، از کمک به مردم دریغ ورزیده‌اند و از سیر در راه حق ایه دارند.

۲- آیات گروه دوم: عدم تمایز و تبعیض ذاتی بین انسان‌ها

از نظر قرآن همگان و عموم انسان برابر و تساوی ذاتی دارند و تنها ملاک تمایز و برتری تقوی است. آیه معروف انا خلقناکم من ذکر و اثنی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عندالله اتقیکم (حجرات ۱۳) گویای اینست که اختلافات مردم ذاتی نیست و برتری به تقوا است. از اینرو معلول و سالم تفاوت و افتراق ذاتی با هم ندارند. در حقوق، در فرصت‌ها و امکانات اجتماعی و آموزشی یکسان می‌باشند. چه بسا معلولی که به دلیل داشتن محاسن اخلاقی از افراد عادی برتری دارد.

۳- آیات گروه سوم: مسئولیت همگانی

از نظر قرآن معلول و غیرمعلول، نابینا، ناشنوا و شنوا همه مسئولیت دارند و متعهدند در راه خدا تلاش کنند و برای سعادت جامعه خود بکوشند. خداوند می‌فرماید همه مسلمانان باید از خداوند اطاعت کنند و نیز از رسول خدا(ص) اطاعت کنند و اعمی، اعرج و مریض نمی‌توانند بگویند به دلیل مشکل جسمی، از زیر بار مسئولیت شانه خالی کنند.

لیس علی الاعمی حرج و لعلی الاعرج و لعلی المریض حرج و من یطع الله و رسوله (فتح ۱۷)

۴- آیات گروه چهارم: تأمین امنیت روانی و اجتماعی برای معلولین

اذیت مادی یا معنوی معلولین در قرآن نهی شده است. تحقیر و مسخره کردن و سنگ انداختن به آنان که متأسفانه بسیار در جامعه ما رواج دارد از نظر قرآن مردود است.

یا ایها الذین آمنور لا یسخر قوم من قوم عسی ان یكونوا خیراً منهم تا آخر آیه (حجرات ۱۱)

رسول الله(ص) فرمود: ان الله یعذب الذین یعذبون الناس فی الدنیا (صعیح ابن حبان، ج ۱۲، ص ۴۲۶)

آیات و روایات در این زمینه فراوان است و خلاصه همه آنها اینست که همانطور که مردم عادی در بازار و محل کار و محل تحصیل تردد دارند و کسی مزاحم آنها نیست معلولین هم باید چنین باشند. متأسفانه هم اکنون دائم معلولین مورد آزار و بی‌احترامی قرار می‌گیرند.

چند پروژه تحقیقاتی درباره این واقعیت که چرا معلولین در عرصه جامعه حضور ندارند اجرا شده است. حضور معلولین در اماکن عمومی در کشورهای اروپایی و پیشرفته چشمگیر است؛ در خیابان‌های لندن یا پارک‌های پاریس، معلولین فراوان مشاهده می‌شوند. ولی در ایران به ندرت به معلول برخورد می‌شود. با اینکه تقریباً از هر ده نفر یک نفر معلول باید دیده شود. علت اصلی عدم حضور آنان، نداشتن امنیت و بی‌حرمتی به آنان است. در شهر قم بارها مشاهده شده بچه‌ها به معلولین سنگ انداخته و آنها را مسخره کرده‌اند یا راننده تاکسی بی‌احترامی کرده است.

سوره عبس و تولى

شاه بیت و احساسی‌ترین و حساس‌ترین آیات مدافع معلولین، ده آیه نخست سوره عبس است. گاه این سوره به همین دلیل اعمی نامیده‌اند. آهنگ این سوره بسیار زیبا است.

فردی نابینا به نام عبدالله بن ام مکتوم پسران پسران جای حضرت رسول(ص) را پیدا می‌کند و به سراغ حضرت می‌آید و درصدد پرسیدن، چند سؤال شرعی بوده است در حالی که رسول خدا با جمعی از بزرگان و اشراف مشغول گفتگو بود، عبدالله بن ام مکتوم وارد شد، سلام گفت، و با سروصدا می‌خواست خود را به حصار معرفی کند.

یکی از اهل جلسه از او رو برگرداند و چهره در هم کشید و حالت ناراحتی به خود گرفت. ولی عبدالله چون نابینا بود و هیچکدام از این حالت‌ها را ندید، مجدداً صدا می‌زد و خواهان پاسخ رسول خدا(ص) بود. در این هنگام آیات نخست این سوره نازل شد. درباره شأن نزول و فردی که رو برگرداند، اختلاف است. اهل سنت رسول خدا و شیعیان خلیفه سوم، یا فرد دیگری را ذکر کرده‌اند. البته همه، روی اینکه نابینایی به جلسه اشراف وارد شده و اشراف و بزرگان به او بهاء ندادند و احترام او را پاس نداشته و به او بی‌توجهی کردند، اتفاق نظر دارند.

خداوند در دفاع از این فرد نابینا می‌فرماید:

ای کسانی که رو بر می‌گردانید و به نابینای تازه وارد بی‌توجهی می‌کنید، و چهره در هم می‌کشید و حالت عبوس به خود می‌گیرید. شما چه می‌فهمید او مزکی و پاک و آگاه است. البته این حادثه برایش سودمند است و بر آگاهی او می‌افزاید.

اما شما که خود را اشراف و مستغنی و سرمایه‌دار و پول‌دار می‌دانید به قول علامه طباطبایی در ترجمه آیه اما من استغنی اما تویی که توانگری خود را به رخ مردم می‌کنی و فکر می‌کنی متصدی او و مسئول او هستی در حالی که چنین نیست.

او که شتابان به سوی شما آمده در حالی که خدا ترس و متقی و با خشیت است ولی شما در تغافل هستید و خود را به غفلت می‌زنید گویا او را ندیده‌اید.

این ده آیه بسیار زیبا و آموزنده است. یکی از سران کلیسا در بیروت در جلسه‌ای که برای معلولین بود پس از توضیح این آیات می‌گفت اگر فقط ما این چند آیه را داشتیم همه معلولین را به سوی خودمان جذب می‌کردیم ولی مسلمانان این همه درهای گران‌بها دارند ولی معرفی و استفاده نمی‌کنند.

فارغ از مباحث علمی زیادی که درباره این ده آیه در تفاسیر مفصلاً به آنها پرداخته‌اند و بیشتر آنها را در کتاب سوره روش‌شدلان آمده است. آیات خیلی روشن و واضح و گویا به ضرورت تکریم و احترام به معلولین و روش‌شدلان پرداخته است. خلاصه اینکه چند نکته مهم در این آیات هست:

الف) احترام و توجه به معلولین لازم و ضروری است. بین امور بسیار مهم که رسول خدا مشغول سامان‌دهی به آنها بوده، توجه به خواسته یک معلول مقدم و ارجح است. بزرگان با رسول خدا جلسه مهمی داشتند و مشغول بحث‌های مهم درباره اسلام و مسلمین بودند، از طرف دیگر یک نابینا آمده و خواستار توجه جمع یا خواهان سؤالاتی از رسول خدا است. خداوند می‌فرماید به دومی اهمیت بده و این را مقدم بشمار.

می‌توان این نکته را به عرصه‌های اجتماعی تعمیم داد؛ یعنی اگر امر دایر باشد بین تبلیغات و صرف هزینه‌های میلیاردی برای تبلیغ در زمینه اسلام و رسیدگی به امور معلولین، آیا باید از امور معلولین عبس و تولى داشت یا امور معلولین واجب‌تر است؟

حقوقدانان و مدیران اجتماعی وقتی تراحم و تعارض بین امور عمومی و امور معلولین را مشاهده می‌کنند به نظر می‌رسد بر اساس این آیات باید امور معلولین را مقدم بشمارند. البته هم اکنون برعکس است در همه زمینه‌ها از امور معلولین عبس و تولى می‌شود؛ و جامعه اسلامی و نظام اسلامی از این قشر روی برگردانده است.

حقوق ماهانه دریافتی یک معلول در کشورهای اروپایی حداقل ۷ هزار یورو است یعنی حدود ۲۵ میلیون تومان است، در ایران چقدر است بعضی از آنها را بهزیستی حقوق ماهانه ۲۵ تا ۵۰ هزار تومان می‌دهد. این مبلغ کرایه ماشین آنها برای رفتن و دریافت آن مبلغ نیست.

عبدالله بن ام مکتوم پس از اینکه آن احترام و تکریم الهی را عیناً مشاهده کرد تبدیل به انسان خلایق شد که خدمات بزرگی به فرهنگ اسلامی کرده است. زندگی‌نامه او در منابع مثل الطبقات الکبری ابن سعد آمده است. احادیث فراوانی از طریق او نقل شده است. اروپا که به نابیناها حقوق می‌دهد و به آنها توجه می‌کند نتیجه آن مشارکت و حضور معلولین در امور مختلف و تلاش برای پیشبرد امور است. به همین دلیل افراد معلول رقم بسیار بالایی به اقتصاد ملی این کشورها کمک کرده‌اند. اختراعات بسیاری توسط معلولین بوده است مثلاً برقی را ادیسون ناشنوا اختراع کرد.

بهرحال ثمره و نتیجه احترام به معلولین، برکت‌های فراوان دارد که در همین آیات هم آمده است.

ب) از آیات سوره عبس و تولی درس می‌گیریم که اگر کسی یا کسانی معلولین را تحقیر کردند، به آنان بی‌توجهی نمودند، دولت، مجلس شورای اسلامی، سازمان بهزیستی، کمیسیون حقوق بشر اسلامی، دفتر فرهنگ معلولین یا هر گروه و شخص دیگر باشد فرقی نمی‌کند مسلمانان وظیفه دارند با عتاب با او برخورد کنند، توبیخ کنند، و مثلاً بگویند: چرا کمیسیون حقوق بشر تاکنون هیچ اقدامی درباره معلولین انجام نداده؛ چرا هنوز حقوق معلولین، بیمه معلولین، تحصیل، اشتغال و ده‌ها مشکل آنان حل نشده است؟

چرا کنوانسیون حقوق معلولین در دسامبر ۲۰۰۶ (بهار ۱۳۸۶) در سازمان ملل تصویب شد، حتی کشورهایی مانند مصر و سودان طرف سه روز آن را پذیرفتند و دولت این کشورها دستور العمل اجرایی صادر کرد. اما در ایران ۳۰ ماه بعد امضاء و پذیرفته شد یعنی در مهر ۱۳۸۸. بعد از پذیرش هنوز آیین‌نامه‌های اجرایی آن در زمینه‌های مختلف تدوین نشده و این میثاق‌نامه بین‌المللی در ایران هنوز شکل اجرایی و حتی حقوقی به خود نگرفته است. درس‌های دیگری از این سوره می‌توان آموخت که در کتاب سوره روشندان مطرح شده است.

سرگذشت حضرت ایوب(ع)

حضرت ایوب(س) را قرآن به گونه‌ای زیبا و عبرت‌آموز مطرح کرده است. قرآن از حضرت ایوب چهار بار در چهار سوره نام برده و او را از نسل ابراهیم و از انبیاء معرفی کرده است. حضرت ایوب مشکلات جسمی داشت و به قول امروزی‌ها معلول بود. قرآن معلولیت او را اینگونه بیان می‌کند:

وایوب اذ نادی ربه انی مسنی الضر وانت ارحم الراحمین (سوره انبیاء، آیه ۸۳)

واذکر عبدنا ایوب اذ نادی ربه انی مسنی الشیطان بنصب و عذاب (ص ۴۱)

ضُر و نَصَب در تفاسیر به نقص عضو، بیماری للعلاج یا معبب العلاج و معلولیت تعبیر و تفسیر شده است. ایوب با اینکه پیامبر بود معلولیت داشت. ایوب

سال‌های زیادی از عمرش را با درد و عذاب سپری کرد اما واکنش او صبر و عبودیت بود. انا وجدناه صابراً نعم العبد انه اواب (سوره ص، آیه ۴۴)

به خاطر استقامت و صبوری و تحمل، دعایش مستجاب شد و خداوند او را عاقبت و سلامتی بخشید و به ثروت زیاد و مکتب فراوان دست یافت. بهرحال از نظر

قرآن معلولیت سد راه ترقی انسان نیست حتی مانع پیامبری هم نیست. چون ایوب پیامبری بود که حدود بیست سال از عمرش را معلول بود. با این حال

نکات و عبرت‌هایی درباره ایوب ذکر کرده که عبارت‌اند از:

- ایوب از هدایتیافتگان است. (انعام، آیه ۸۴)

- ایوب از محسنین و نیکوکاران است. (انعام، آیه ۸۴)

- به ایوب وحی می‌شده است. (نساء، آیه ۱۶۳)

- ایوب هم‌ردیف ابراهیم، اسماعیل، یعقوب، یونس، هارون و سلیمان است. (نساء، آیه ۱۶۳ و انعام، آیه ۸۴)

- بدبختیها و مشکلات در زندگی انسان از جمله در زندگی ایوب منسوب به شیطان است. (سوره ص، آیه ۴۱)

- ایوب با تلاش شخصی خودش و بهره‌گیری از توانمندیهای خود، ضُر و معلولیت را کنار زد و بی اثر ساخت. (سوره ص، آیه ۴۲)

- او از خداوند برای رفع مشکلات ناشی از معلولیت طلب کمک نمود (انبیاء، آیه ۸۳)

- اجابت و پاسخ مثبت خداوند به درخواست ایوب (انبیاء، آیه ۸۴)

- رفع مشکلات و ناراحتیهای ناشی از معلولیت پس از خداگرایی ایوب. (انبیاء، آیه ۸۴)

- ایوب بر اثر معلولیت نه تنها فقیر و بیچاره نشد بلکه ثروتمند و صاحب امکانات فراوان گردید. (انبیاء، آیه ۸۴)

- سرگذشت ایوب را عبرتی برای بندگان و خردمندان دانسته است. (سوره انبیاء، آیه ۸۴)

- ایوب را بر اثر مرض و معلولیت از جامعه طرد کردند و مردم با او رفتار ناشایسته داشتند ولی او هرگز مردم را نفرین نکرد و بد مردم را نخواست.

- خداوند به او امر کرد که پا به زمین بکوبد و چشمهای آب گرم برای شستشوی بدن بیمارش و چشمهای آب سرد به او اعطا کرد. (سوره انبیاء، آیه ۸۴) یعنی

او روی پای خودش بپا خواست و عاقبت بازیافت.

- خداوند ایوب را به اواب یعنی بازگشتکننده به خداوند (ص، آیه ۳۲)، صابر (ص، آیه ۴۴) و دارای عبودیت معرفی کرد (سوره انبیاء، آیه ۸۴).

- معلولیت متناسب به خداوند نیست بلکه ایوب میگوید شیطان مرا به بلایا دچار کرده است. (ص، آیه ۴۱)

- خداوند به ایوب کتاب، داوری و نبوت اعطا کرد. (انعام، آیات ۸۹-۹۰)

داستان سرگذشت ایوب در سه فرهنگ اسلامی، یهودی و مسیحی مؤثر بوده است. بطوری که هم در قرآن به آن توجه شده و هم در تورات، رساله‌های به نام

ایوب هست. نیز در ادبیات فارسی مثلهاپی مثل صبر ایوب، چشمه ایوبی، شراب ایوبی رواج دارد. ایوب نبی در بلاکشی و صبر و تحمل و یعقوب نبی هم در

فراق و دوری از فرزندش و صبر در همه این فرهنگها اسوه و الگو شده‌اند.

خلاصه اینکه سرگذشت حضرت ایوب در قرآن اینست که او با تلاش با صبر و با درایت بر مشکلات معلولیت فائق آمد و به امکانات بزرگی دست یافت.

مولانا جلال‌الدین رومی درباره حضرت ایوب چنین سروده است:

آن یکی اندر بلا ایوبوار / وآن دگر در صابری یعقوبوار

هفت سال ایوب با صبر و رضا / در بلا خوش بود با ضیف خدا

تا چو وا گردد بلای سخت رو / پیش حق گوید بصد گون شکر او

کز محبت با من محبوب گش / رو نکرد ایوب یک لحظه ترش

از وفا و خجالت علم خدا / بود چون شیر و عسل او با بلا

گفت حق ایوب را در مکرمت / من بهر مویبت صبری دادمت

او شد تسلیم او ایوبوار / کی اسیرم هرچه میخواهی بیار

مرغ آبی غرق دریای عسل / عین ایوبی شراب و معتسل

که بدو ایوب از پا تا بفرق / پاک شد از رنجه چون نور شرق

وضعیت حقوقی معلولین

تا اینجا اهم آیات قرآن در ارتباط با توجه و احترام به معلولین مطرح شد. اما می‌خواهم این ذهنیت را در ارتباط با کنوانسیون جهانی حقوق معلولین (مصوب

سازمان ملل متحد دسامبر ۲۰۰۶ / بهار ۱۳۸۶) بررسی کنیم. این کنوانسیون مانع‌گست و راهنمای جامعه معلولین است و دارای ۵۰ ماده اصلی و ۱۸ ماده

الحاقی است. مهم‌ترین ویژگی آن تأکید بر کرامت ذاتی معلولین است. ولی تعابیر آن بسیار ضعیف‌تر از تعبیرهای قرآنی است.

این کنوانسیون پس از تصویب در بهار ۱۳۸۶ در مجمع عمومی سازمان ملل، به همه کشورها از جمله جمهوری اسلامی ابلاغ شد تا نظر خود را بدهند. اما دولت

با داشتن گنجینه‌های از آموزه‌های اسلامی مدافع حقوق معلولین و کانون جامع حمایت از معلولین مصوب سال ۱۳۸۳ و آیات و روایات فراوان، این میثاق‌نامه

جهانی را تا ۵/۲ سال بعد امضاء نکرد. تا بالاخره در مهر ۱۳۸۸ رسماً این تعهدنامه بین‌المللی را پذیرفت. اما نکته مهم اینست که:

اولاً نهادهای مردمی معلولین اعتراض‌های جدی به روش بررسی و شیوه پیوستن به این کنوانسیون و دیگر کنوانسیون‌های بین‌المللی دارند. با اینکه معلولین

و نهادهای معلولیتی می‌توانند آراء و نظریات اساسی و راهبردی بدهند ولی کلاً از آنها مخفی نگاه داشته شده؛ از آنان خواسته نمی‌شود نظر بدهند و آنان را به

مشارکت دعوت نمی‌کنند. این نوعی کم لطفی و بی احترامی به آنان است و به قول قرآن روی برگرداندن نسبت به آنان است.

نکته دوم در خود این کنوانسیون هست که دولت‌های عضو می‌توانند اطلاعات بدهند، دیدگاه جامعه خودشان را منعکس کنند. دولت جمهوری اسلامی حداقل

می‌توانست تفسیر علامه طباطبایی از سوره عبس را به انگلیسی ترجمه و ارسال کند. یعنی آیات و روایات و سیره نبوی که بهترین آموزه‌ها را در زمینه تکریم

و احترام معلولین دارد مطرح نشده، اما مجدداً سازمان ملل در حال تکمیل اطلاعات برای تکمیل کنوانسیون جامع‌تر است. گویا چند سال آینده کنوانسیون جامع‌تر مطرح خواهد شد. دفتر فرهنگ معلولین آمادگی دارد با همکاری کمیسیون حقوق بشر اسلامی متنی را آماده کند و برای سازمان ملل بفرستند متنی که چهره واقعی اسلام و قرآن کریم را در زمینه تکریم معلولین نشان می‌دهد. این معرفی نامه با عملکرد مسلمانان در رده‌های مختلف و دولت مردان تمایز می‌یابد. یعنی چهره واقعی و حقیقی قرآن و اسلام را به جهان معرفی کنیم تا این ذهنیت دنیا که ساختار سیاسی و اجتماعی جوامع اسلامی را نماینده اسلام می‌دانند تصحیح شود.

خلاصه بحث بنده اینست که معلولین از نگاه قرآن افرادی هستند که فقط فاقد یک عضو یا یک حس می‌باشند، ولی در اصل انسانیت و در دارا بودن خلاقیت و در اینکه می‌توانند اقدامات بزرگ و سازنده‌ای داشته باشند تفاوتی با دیگران ندارند. از اینرو باید مثل دیگران از مواهب اجتماعی، از فرصت‌ها و امکانات آموزشی، اجتماعی و اقتصادی بهره‌مند شوند.

در چند ماه گذشته قانونی تصویب شده که نابینا نمی‌تواند برای نمایندگی مجلس شورا ثبت نام کند، قانون مصوب داریم که فرد معلول هر چند معلولیت در چند انگشت داشته باشد، نمی‌تواند به حوزه علمیه راه یابد و قوانین دیگر که تماماً با روح آیات قرآن در تعارض جدی است. وظیفه حقوقدانان است که تکلیف جامعه را روشن کنند. حضرت رسول(ص) به نابینای مطلق مسئولیت‌های مهم مثل اداره شهر مدینه به عنوان پایتخت ام القرای جهان اسلام می‌سپرد. از اینرو مصوبه‌های فوق هم با آیات قرآن و هم با سنت نبوی در تعارض است. کمیسیون حقوق بشر اسلامی می‌تواند این تعارض را مطرح و راه کار درست را معرفی نماید.

ن.۴۰*